

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ نومبر ۲۰۱۸

طالبان "بی پدر" هم شدند!!

۶

پنجشنبه - ۱۷ عقرب ۱۳۹۷ - کابل:

ت - شما هم حتماً از طریق رسانه ها در جریان قرار گرفته اید که بعد از مرگ مولانا "سمیع الحق" افراد خاصی چه از مرجع مدرسه "حقانیه" و چه هم حزب "جمعیت طلبای اسلامی پاکستان" یعنی حزب تحت ریاست "مولانا" نه یک بار، بلکه هریک چندین بار تهدیداتی را به آدرس افغانستان فرستادند که گویا من بعد چنین خواهند کرد و یا چنان. در این قسمت برای آن که حد و حدود جدی بودن آن تهدیدات و در کل تأثیر مادی و معنوی کشته شدن "مولانا" را بر افغانستان بدانیم، توجه تان را در کل به دو بعد قضیه یکی بعد استخباراتی وی و دیگری فردی وی جلب می نمایم:

۱ - بعد استخباراتی "مولانا":

همان طوری که تا حال تذکار داده ام، "مولانا" یکی از بقایای معدود و انگشت شمار است که از آغاز تولد پاکستان تا امروز در خدمت نهاد های استخبارات نظامی پاکستان یعنی "ISI" فعلی قرار داشته، بر همان مبنا تمام موضعگیری های نظری و عملی و سیاسی اش در قبال پاکستان و افغانستان و منطقه و جهان برخاسته و منطبق با موضعگیری های علنی و یا مخفی "ISI" بوده است.

به عبارت ساده تر "مولانا" مهره و حلقه ای از حلقه ها به هم پیوسته و زنجیری یک نهاد استخباراتی است که تمام اعمال و کردارش از جانب گردانندگان همان زنجیر تنظیم و هدایت می گردید. او به اراده خود نه صلاحیت اعلام یک موضعگیری جداگانه از زنجیر کل را داشت و نه هم منافع طبقاتی و مادی اش به وی این اجازه را می داد، تا چیزی از جانب خود در مخالفت با سمت تکانهای زنجیر اصلی بیان دارد.

از همین رو به جرأت گفته می توانیم که کشته شدن "مولانا"، هیچ نوع تأثیر خاص و مشخصی خارج از سیاست های کلی نظامیان پاکستان بر اوضاع افغانستان و منطقه نخواهد گذاشت. یعنی هرگاه "ISI" خواسته باشد مانند سابق از طالب حمایت و پشتیبانی نماید، به حمایت خود ادامه خواهد داد چه "مولانا" ها بخواهند و یا نخواهند، چه آنها زنده باشند و یا مرده، در سیاست های کلی "ISI" تغییری رخ نخواهد داد و هرگاه "ISI" نخواهد از طالب حمایت کند و یا نخواهد

آنها را با نیروی جدیدی معاوضه نماید، در آنصورت هم افرادی چون "مولانا" نقش چندانی در مخالفت با سیاست کلی "ISI" نخواهند داشت. حتا اگر زیاد سماجت به خرج دهند، سرخود را نیز خواهند باخت.

۲- از بعد فردی:

این درست است که "مولانا" در جریان بیش از نیم قرن فعالیت مذهبی چشمگیر در پاکستان و تربیت نسلهائی از چلی و ملا برای پاکستان، کشمیر، افغانستان و حتا بنگله دیش و کشور های مالیزیا، سنگاپور، اندونیزیا و ... و تحقیقاتی که در حدیث انجام داده بود در بسیاری از کشور ها به حیث یک "شیخ الحدیث" شناخته می شد. این مقام وی در اسلام شناسی ممکن تعدادی از افراد و طلاب را چنان به وی معتقد ساخته باشد که از لحاظ مذهبی پیروی از نظریات وی را پذیرا باشند، مگر این مقام و رتبه به هیچ صورت به شاگردان و پیروانش این امکان را نمی دهد تا خلاف روند حاکمی که در باب اسلام سیاسی از جانب "ISI" تعیین می شود، ساز دیگری را بنوازند.

در نتیجه گفته می توانیم که کشته شدن "مولانا" اگر در کوتاه مدت انگیزه های زود گذر حمایت از طالب را تشدید نماید اما در دراز مدت فقط تا زمانی می تواند چنان انگیزه هائی ادامه و بقاء یابند که "ISI" با آن موافق باشد و رنه، زمان زودتر از آنچه فکر می شود، وی را به فراموشی خواهد سپرد. همان سان که مولانا "مودودی" به فراموشی سپرده شد. هموطنان گرامی!

این که مرگ هر جنایتکاری در قد و قامت های متفاوت بر کشور غرق در خون ما تأثیر می گذارد، بدان معنا نیست که کشته شدگان انسانهای بزرگی بودند و کشته شدن شان طوفانهای بزرگی را در کشور ما سبب گردید، بلکه بدان معناست که جسم ما ضعیف و بیمار است و هر باد زود گذری می تواند، نهال های بیمار و آسیب پذیر ما را بلرزاند. هموطنان گرامی!

این وضعیت در کشور ما تا زمانی ادامه خواهد یافت که کشور در اشغال و دولت دست نشانده بر سر کار باشد، اگر نمی خواهیم با وزش هر بادی بلرزیم، باید بکوشیم به عمر ننگین مولود استعمار خاتمه دهیم.

سرکها ما را می طلبد!!

تذکر:

در عنوان به منظوری کلمه «هم» را بعد "بی پدر" نوشتم که "بینظیر بوتو" را مادر طالبان لقب داده بودند و وقتی او کشته شد، همه نوشتند که "طالبان بی مادر شدند" - ع. قریشی